



” عملیات اوپاما “ گزارشاتی از کوبا

در جدال با سرمایه داری و کرونا

مبانی تعیین حداقل دستمزد و ” سه جانبه گرانی ” در مناسبات کار و سرمایه در ایران.

مبانی تعیین حداقل دستمزد

برای همه کارگران آگاه و پیشرو امر روشنی است که در نظام سرمایه داری نیروی کار کارگر مثل هر کالای دیگری دارای ارزش است. هر کارگری که کار خود را میفروشد دارای قیمتی است که شکل پولی بیان این ارزش است و آنچه که کارگر در این بازار میفروشد "کار مستقیم او نیست بلکه نیروی کار اوست که برای مدتی در اختیار سرمایه دار به قیمت معینی گذاشته میشود. این مدت محدود است نمیتواند نامحدود باشد. وگرنه فوراً نظام برده داری برقرار میشود".

در عین حال باین نکته هم باید توجه کنیم که ارزش نیروی کار مانند ارزش هر کالای دیگری با مقدار کار اجتماعاً لازم برای تولید آن معین میگردد و اینکه نیروی کار انسان برخلاف خیلی از کالاهای دیگر در شخصیت زنده او نهفته است و استفاده از این نیروی کار فقط محدود به توانائی و نیروی جسمانی کارگر است. پس نتیجه میگیریم که سرمایه دار نمیتواند دستمزدها را از حد معینی که لازم است تا نیروی جسمانی و توانائی کارگر برای ادامه استثمار را تامین کند، پائین تر در نظر بگیرد. اما تعیین پایه حداقل دستمزد تنها با محاسبه ارزش نیازهای ضرور برای تجدید قوای جسمانی کارگر کفایت نمیکند و در این صورت تداوم استثمار و سوداندوزی سرمایه تضمین نمی شود.

ادامه در صفحه ۲

امسال کوبا، شصت و یکمین سالگرد انقلاب خود را پشت سر گذاشت. در اول ژانویه ۱۹۵۹ هاوانا توسط نیروهای انقلابی و مسلح و مبارزین متعلق به حرکت ۲۶ جولای* که به رهبری فیدل، چه، و کامیلو (Camilo Cinfuegos) موفق شده بودند، نقاط مختلف کوبا را از دست حکومت دیکتاتوری باتیستا آزاد کنند، وارد هاوانا شوند و پایتخت را به تصرف نیروهای انقلابی و مسلح ۲۶ جولای و توده های مبارز مردم در آوردند. ژنرال باتیستا که طی سالها حاکمیت نظامی خود، هزاران نفر از شهروندان معترض، کارگران، روشنفکران، انقلابیون این کشور را به قتل رسانده بود، یک روز قبل از انقلاب و تصرف هاوانا با میلیونها دلار پول نقد، توسط ...

در آستانه اول ماه مه هستیم و پیش بینی شرایط اقتصادی، حداقل در سال جاری، برای کارگران امیدبخش نیست. سازمان بین المللی کار چشم انداز نیروی کار جهانی را در نیمه دوم سال فاجعه بار برآورد میکند. سازمان بین المللی کار پیش بینی میکند که تا چند ماه آینده 6.7 درصد از ساعات کار در دنیا از بین میرود که این رقم برابر با 195 میلیون کارگر با کار تمام وقت خواهد بود. همچنین اعتقاد بر این دارد که امکان دارد که درصد این پیش بینی بطور قابل ملاحظه ای حتی بیشتر شود و اگر هنوز آمیدی برای فائق آمدن بر این فلاکت مانده باشد تماماً بستگی به دولتها و اقدامات سیاسی موثر آنان در بهبودی اقتصاد و افزایش تقاضا برای نیروی انسانی در بازار کار دارد.

ادامه در صفحه ۶

ادامه در صفحه ۹

اعلامیه کمیته ایالتی تهران یازده اردیبهشت . تجلی قدرت وحدت و همبستگی کارگران علیه سرمایه داران صفحه ۵

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست اعدام ابزار ارباب جامعه است. علیه حکومت اعدام بایستیم!

صفحه ۸

طرح ربودن یا کشتن مادورو در ونزوئلا دستگیری دو رنجر امریکایی و بیش از ۴۰ مزدور نظامی

صفحه ۱۲

جنایت جمهوری اسلامی در کشتار کارگران مهاجر افغانی محکوم است

صفحه ۱۱

درباره موضوع ” مجمع جهانی اقتصاد در آفریقا “

صفحه ۱۳

مبانی تعیین حداقل دستمزد و "سه جانبه گرانی" در مناسبات کار و سرمایه در ایران



کار و سرمایه میباید با این قوانین و راه کارها آشنائی داشت و به آنها مسلط بود و ثانیاً در شرایط سرکوب و فقدان تشکلهای مستقل توده ای و حزبی کارگری، که فشار متحد کارگران و مبارزه سازمانیافته و هدفمند آنها را هدایت کند، نظام سرمایه داری زیر بار خواست افزایش دستمزد از آن حدی که خود می خواهد و برای بازتولید نیروی کار لازم برای تداوم بهره کشی ضروری است، فراتر نمی رود. این قانون البته شامل همه کشورهای سرمایه داری میشود. اما در ایران استبداد و سرکوب و نبود از ادیهای سندیکائی و تشکل های کارگری مانع اعمال موفقیت آمیز سیاست فشار از پائین و چانه زنی در بالا محسوب میشود. بعلاوه بر آن، عوامل دیگر قانونی و ساختاری در نظام

استخدامی و قوانین کار و اشتغال نیز وجود دارند و عمل میکنند که مانع اعتراضات همبسته و وسیع و سراسری کارگران برای افزایش دستمزدها میشوند و در نتیجه چانه زنی در بالا به تصمیم سازی و تصمیم گیری توسط بالائی ها، یعنی سرمایه داران و دولت محدود میشود. عواملی افزایش سطح عمومی دستمزدها را متناسب با خواست و مطالبه کارگران به امری دست نیافتنی تبدیل میکند. در پائین از میان عوامل مختلف به چند عامل کمتر شناخته شده، اشاره میکنم.

دایره شمولیت قانون کار، که ظاهراً مبانی تصمیم گیری بالائینها در تعیین سطح حداقل دستمزدها است

اشاره مختصر به میزان و دامنه شمولیت همین قانون کار موجود بر این توهم خط بطلان میکشد که گویا تعیین حداقل دستمزد به ارتقاء سطح عمومی دستمزدها میانجامد. چیزی که دولت، شورای ضدکارگری کار و سرمایه داران میخواهند چنین وانمود کنند و هر سال هنگام تعیین سطح افزایش دستمزدها، بسیاری از فعالین و یا مدافعین "حقوق کارگران" نیز حول کم و زیاد بودن آن سر و صدا راه میاندازند.

کارگران تامین میشود، لذا ما در طول تاریخ پدید آمدن سرمایه داری "باگروهی مواجه هستیم که یکی گروه خریداران، صاحبان زمین، ماشینها، مواد خام و وسائل معاش یعنی اشیائی که، همگی محصول کاراند، و دیگری گروه فروشندگان که چیزی جز بازاوان و مغزهای فعال خویش ندارند. یک گروه پیوسته می خرد تا سود به چنگ آورد و ثروتمند شود و حال آن که گروه دیگر پیوسته می فروشد تا معاش خویش را تامین کند". سرمایه دار می خواهد نیروی کار کارگر را از آن بخرد تا سود بیشتری نصیب خود بکند و کارگر تلاش و مبارزه میکند تا سهم بیشتری از دسترنج خود را تصاحب کند.

بنا بر این از بدیهیات است که در این مناسبات مبارزه برای افزایش دستمزد یکی از اولیة ترین و مهمترین و اساسی ترین مبارزه کارگر علیه سرمایه محسوب شود و به هیچ وجه تعطیل بردار نبوده و نیست. تاریخ مبارزات کارگران جهان از جمله مبارزات کارگران ایران برای افزایش دستمزد ها تاریخی بس طولانی و خونین است که این مقاله جای پرداختن به آنها نیست، بلکه میخواهم بطور خلاصه اشاره بکنم باینکه اولاً تعیین حداقل دستمزد ها و نیز مبارزه برای افزایش آن بر قوانین علمی استوار است که در مبارزه بین

ادامه از صفحه اول...

"کارگر نیز مثل هر انسان دیگری برای این که رشد کند و به زندگی ادامه دهد باید مقدار معینی وسائل زندگی مصرف کند. ولی هر انسانی مانند ماشین فرسوده میشود و لازم است انسان دیگری جای او را بگیرد. کارگر علاوه بر آن مقداری از وسائل زندگی که برای بقاء موجودیت شخص خود لازم دارد محتاج مقدار دیگری از وسائل زندگی است تا فرزندان خویش را که باید در بازار کار جانشین او شوند پرورش کند. از سوی دیگر باید مبلغ معین دیگری از ارزش هم به مصرف برسد تا کارگر بتواند نیروی کار خود را بسط دهد و مهارت معینی به دست آورد". بنابراین در بدترین شرایط اقتصادی حداقل دستمزدها بر اساس مقدار کار اجتماعاً لازم برای تولید آن تعیین میشود چرا که کمتر از آن در واقع گذر حداقل دستمزد از مرزی است که بازتولید نیروی کار لازم را جهت تجدید بهره کشی غیرممکن میکند از اینرو سرمایه نیز از تحقق خودش عاجز شده و دچار بحران میشود.

مبارزه کارگران برای افزایش دستمزد

از آنجا که سود از فروش کالاها بر حسب ارزش آنها، یعنی از فروش آنها به نسبت مقدار کار نهفته در آنها به دست می آید. و به عبارتی، سود سرمایه داران از ارزش افزوده

مبانی تعیین حداقل دستمزد و "سه جانبه گرانی" ...

تعیین شده توسط شورای عالی کار است، رضایت می‌دهند.

نظام سرمایه داری ایران که زیرحمایت سرنیزه حکومت های استبدادی به انباشت سرمایه خوگرفته است، در واقع با استفاده آگاهانه از قانون نظام حقوق شغلی دوگانه که در برخی از کشورها معمول است، اکثریت عظیم میلیونی کارگران را از ابتدائی ترین حقوق محروم نموده است و هنگام خصوصی سازیهای موسسات دولتی هم انتقال نیروی شاغل و قراردادهای مربوطه در حوزه قوانین استخدام دولتی و بخش عمومی به حوزه بخش خصوصی و قانون کار، باز هم بدون دخالت دادن کارگران، با تصمیم مشترک دولت و کارفرمای جدید انجام میگیرد. طوریکه که دست کارفرماهای جدید در تعدیل نیرو و اخراجهای دسته جمعی و تجدید قراردادها از دائمی به موقت و سایر تغییرات مورد نظر، باز باشد.

در چهارچوب چنین ساختار و مناسباتی میان نیروی کار و سرمایه در ایران، طبقه سرمایه دار هر ساله بنا به صلاحدید خود که صد البته میزان فشار اعتراضات کارگری نیز موثر هستند، حداقلهای تعیین کرده و به دستمزد یک بخش از کارگران مشمول قانون کار اضافه میکند. در آن حدی که کارگران انرژی لازم برای ادامه کار را بدست بیاورند. بقیه مخارج مربوط به ارزش نیروی کار و ملزومات آن، نظیر تربیت فرزندان و تامین نیازهای اولیه و غیره از طریق استثمار خانواده آنها و کودکان و رواج کارخانگی با دستمزد های بسیار پائین تامین میشود و بدینوسیله ثروت بر ثروت صاحبان سرمایه انباشته میشود و میلیونها کارگر هیچگونه مشارکت و نمایندگی در حوزه های تعیین حداقل دستمزد و فروش نیروی کار خود ندارند، تا چه رسد به مشارکت در تصمیمات باصطلاح شورای عالی کار درباره افزایش حداقل دستمزدها! شورای عالی کاری که از هشت نفر صاحب رای در آن، شش نفر از نمایندگان سرمایه

خاص «را نیز از شمول قانون کار مستثنی ساخته است. با در نظر گرفتن اینکه طبق ماده 188 قانون کار، صرفاً مستخدمینی که مشمول قانون یا مقررات استخدامی خاص هستند از شمول قانون کار خارج اند. یعنی علاوه بر مقررات مستخدمین رسمی دولتی و بنگاه های عمومی، کارگران صد ها موسسه و بنگاه های اقتصادی، صنعتی و تجاری و آموزشی

تعداد کارگاه ها	کارگاهها بر حسب تعداد کارگر
۴۶۵.۲۰۸	دارنده ۱ کارگر
۲۰۲.۴۴۲	دارنده ۲ کارگر
۱۲۶.۱۱۰	دارنده ۳ کارگر
۸۵.۷۲۵	دارنده ۴ کارگر
۶۴.۴۱۲	دارنده ۵ کارگر
۱۴۱.۲۶۵	دارنده ۶ تا ۱۰ کارگر
۱۴۶.۸۹۷	دارنده ۱۱ تا ۵۰ کارگر
۲۵.۴۵۶	دارنده ۵۰ کارگر و بیشتر

و بهداشتی وابسته به ارگانها و نهاد های مختلف از شمول قانون فعلی و از دایره باصطلاح سه جانبه گرانی موجود، خارج هستند. بدین ترتیب افزایش دستمزد چندین برابر زیر خط فقر، که هر ساله بادی بدیهه و کبکبه توسط شورای کار اعلام میشود، در بهترین حالت شامل یک بخش محدودی از کل شاغلین در بخش عمومی و خصوصی میشود. اکثریت عظیم کارگران کارگاه هائیکه تعداد آنها نزدیک به یک میلیون است و میلیونها کارگر در آنها استثمار میشوند علاوه صد ها هزار کارگر پاره وقت و زنان و کودکانیکه به تولید خانگی محصولات فرعی با دستمزد بسیار ناچیز مشغولند، از شمولیت قانون کار خارج هستند و بخاطر پراکندگی در کارگاه های کوچک با تعداد کارگران کم و نبود تشکل و وجود انبوه لشکر بیکاران به آنچه که میدهند و بسیار اوقات پائین تر از حداقل های

طبق آمارهای موجود در جدول بالا: حدوداً 23 میلیون نیروی کار شاغل داریم که از آن 365 هزار نفر در کارگاه های 1 نفر کارکن و 202 هزار نفر در کارگاه های 2 نفر کارکن و 126 هزار نفر در کارگاه های سه نفر و 85573 نفر در کارگاه های چهار نفر کارکن و 64412 نفر در کارگاه های پنج نفر کارکن و 141265 کارگر در کارگاه

های پنج تا ده نفر کار میکنند که در مجموع میشود 985 هزار کارگاه کمتر از ده نفر کارگر که خیلی از مواد قانون کار فعلی شاملشان نمیشود و یا اینکه کلاً از شمول قانون کار خارج هستند.

حدود 136900 کارگاه دارای ده تا 50 نفر کارگر و نیز 35500 کارگاه 50 نفر بیشتر کارکن داریم که **ظاهراً** قانون کار و بنابراین حداقل دستمزد شاملشان میشود. چرا **ظاهراً**، بخاطر اینکه بخشی از این مراکز کار، منجمله صنایع و خدمات و بنگاه های دولتی تابع قانون استخدامی کشور هستند که قوانین آن توسط هیئت وزیران تعیین میشود و یا موسساتی هستند که طبق مصوبات و آئین نامه های استخدامی خودشان عمل میکنند و تابع قانون کار نیستند.

ماده 188 قانون کار، علاوه بر مشمولین قانون استخدامی کشوری و سایر قوانین خاص استخدامی، مشمولین «مقررات استخدامی

مبانی تعیین حداقل دستمزد و "سه جانبه گرایی" ...

داران و دولت و دونفر منتخب شوراها و انجمنهای ضد کارگری هستند که تنها 11 هزار واحد کار را "نمایندگی" میکنند. در این یازده واحد هم در واقع از میان طرفداران و چشم و چراغهای سرمایه داران دولتی و خصوصی، افرادی تحت عنوان "نماینده" انتصاب میشوند تا شورای عالی کار بی نماینده کارگر نباشد. با این وجود برخی از "دلسوزان" طبقه کارگر که اینجا و آنجا خود را "فعالین کارگری" مینامند و بعنوان کارشناس مسائل کارگری مقاله مینویسند و در رسانه ها مصاحبه و مناظره راه میاندازند، نهان و آشکار از سه جانبه گرایی در ایران به دفاع برمیخیزند. اما بخود زحمت نمیدهند تا با مطالعه ساختار اقتصادی ایران، قانون اشتغال و حقوق کار و مناسبات کار و سرمایه روشن کنند که جایگاه سه جانبه گرایی و نقش آن در این مناسبات و از جمله تعیین افزایش هر ساله حد اقل دستمزد، در کجا قرار دارد و نمایندگان واقعی کارگران در این ارگان ضد کارگری چه نقشی دارند؟ این که کارگران در هیچ کدام از تشکلهای رنگارنگ دست ساز رژیم، از جمله در "شورای عالی کار"، نمایندگی نمیشوند و صدایشان در این ارگانهای ضد کارگری و محافل دولت و سرمایه داران، هرگز شنیده نشده و نمیشود، برای هر کارگر نسبتا آگاهی اظهار من الشمس است. آنها تجربه کرده و خوب میدانند که اعتصابات، تظاهرات و تجمع های اعتراضی که بی وقفه جریان دارد، آن امکانی است که میتوانند صدای اعتراض خود را بلند کرده و سرمایه داران و دولت را به عقب نشینی وادارند. در چنین شرایطی سوق دادن کارگران به کرامات شورای ضد کارگری و مرکز فرماندهی سرمایه سالاران، جز خاک پاشیدن به چشم کارگران و توهم پراکنی درباره ارگانی که تحت عنوان سه جانبه گرایی به کلاهبرداری از کارگران مشغول است، نتیجه دیگری در بر ندارد.

برای تغییر این وضعیت - حتی در عرصه متعادل کردن دستمزد ها- نیاز به تحولات عمیق اجتماعی و ساختاری در ایران هست که باز هم باید بدست توانای خود کارگران بانجام برسد. و بنظر میرسد نیروی محرکه اولیه و اصلی تحولات آتی همین انبوه میلیونی کارگران و تهیدستانی خواهند بود که در صدها هزار کارگاه، کارخانه و مزرعه و واحدهای خرد استثمار میشوند. و دستشان به حداقل حقوق تعیین شده توسط شورای عالی کار هم نمیرسد و بویژه با بحران ناشی از کرونا، بایکاری و محرومیت های بسیاری روبرو هستند که بدلیل نبود تشکل، حزب، و پراکندگی در کارگاه های کوچک و صنوف و رستورانها و نهادهای متعدد، صدایشان به جایی نمیرسد و ناگزیر از شورشهای عمومی و تظاهرات خیابانی و قیام علیه وضعیت فلاکت بار کنونی هستند. و بدیهی است که در چنین شرایطی میزان تلاش پیشروان کارگری و کار سازمانیافته آنها در درون صنایع کلیدی و بزرگ، و میزان تلاش برای ارتقاء سطح آگاهی طبقاتی و تشکل این کارگران تعیین خواهد کرد که کارگران صنایع بزرگ کی و چگونه به این جنبش اجتماعی توده ای و کارگری خواهند پیوست و از طبقه در خود به طبقه ای برای خود ارتقاء خواهند یافت تا موقعیت جنبش کارگری و توازن قوا در عرصه های مختلف مبارزه بین کار سرمایه، از جمله مبارزه در عرصه افزایش دستمزدها، یکسره به نفع جبهه کار، تغییر یابد.

یدی شیشوانی اردیبهشت 99

نقل قول ها از کتاب "مزد- بها- سود" اثر مارکس میباشد

کار، مسکن، آزادی

شعار " کار- مسکن-

آزادی" عمده خواست های طبقه کارگر و یک جامعه آزاد و مرفه را هدف گرفته و تا استقرار سوسیالیسم کما کان کاربرد دارد.

نان «برخی از جریانات شعار نان کار» و یا «مسکن آزادی را مطرح میکنند، «آزادی شعاری که در اعتصابات و تظاهرات کارگران نیشکر هفت تپه نیز مطرح شد و متعاقب آن این شعار از طرف برخی جریانات رفرمیست و چپ و راست تکرار شد. اما واقعیت، شعار «نان» این است که شعار مناسب دوران کنونی جنبش کارگری نیست و یک شعار انحرافی است و مبارزات و مطالبات کارگری را گامها به عقب میبرد. کارگران ایران اگر بیکارند خواستار کار با حقوق مکفی هستند که بتواند رفاه عمومی امروزه آنها تامین کند. بیکاران نه دنبال تکه نانی برای رفع گرسنگی از تکایا و مساجد و یا کمیته هائی نظیر کمیته امداد خمینی که همواره در حد رفع گرسنگی هر فقیری اعلام آمادگی کرده است، بلکه خواستار کار مسکن و تامین اجتماعی همه شمول و حقوق دوران بیکاری هستند. کارگران شاغل خواهان حقوق متناسب با یک زندگی مرفه امروزی هستند نه رفع گرسنگی.

یازده اردیبهشت . تجلی قدرت وحدت و همبستگی کارگران علیه سرمایه داران

امسال در شرایطی به استقبال روز کارگر میرویم که نظام سرمایه داری حاکم بر جهان به دلیل شیوع بیماری کرونا در بحرانی ترین شرایط دهه های اخیر قرار گرفته است . کرونا به خوبی آشکار کرد نظام فاسد و ارتجاعی سرمایه داری که همواره به غارت و چپاول هر چه بیشتر توده ها و انباشت ثروت می اندیشد حتی در تامین ابتدایی ترین نیازهای بهداشتی جامعه ناتوان است و به اعتراف خبرگزاری ها و نشریات سرمایه داری و سازمان جهانی بهداشت ، کارگران و زحمتکشان و اقشار فقیر و محروم قربانیان اصلی این بیماری در تمامی کشورها هستند . جمهوری اسلامی هم از این قائده مستثنی نیست و علاوه بر بحرانی که در اثر تحریمها با آن درگیر است با شیوع کرونا در آستانه ورشکستگی کامل قرار گرفته ، اگر کرونا توانسته برای مدتی رژیم را از خطر شورش میلیونها بیکار و گرسنه رهایی بخشد ، عنقریب فروپاشی اقتصاد را شاهد خواهیم بود که قیام کارگران و زحمتکشان و توده های خشمگین از این همه فقر و ستم طبقاتی را به دنبال خواهد داشت به همین دلیل رژیم که در تامین ابتدایی ترین نیازهای روزمره توده ها ناتوان است تصمیم گرفته با باز گشایی کسب و کارها و در عین حال حفظ جو هراس آلود ناشی از شیوع این بیماری مانع شکل گیری هر گونه اعتراضی شود و بدین طریق بار دیگر مدتی برای خود زمان بخرد .

سرمایه داران هیچگاه از غارت و چپاول باز نمی ایستند . کینه و عداوت سرمایه داران و رژیم حامیشان با کارگران را پایانی نیست ولی از آنجا که تنها تولید کننده ثروت کارگران هستند همواره به آنها نیازمندند و در عین حال همیشه در پی کاستن ضرر و زیانهای خود هستند و تنها راه را در تعرض به حقوق کارگران میدانند ، در روزهای اخیر شاهدیم که برای نجات از ورشکستگی و حفظ دارایی های خود علاوه بر بیکار سازیهای گسترده به شکل رذیلانه ای با تعیین حداقل دستمزد 1800000 در شرایط تورمی بیش از 60 درصدی که خود بوجود آورنده آن هستند ، فقر و فلاکت وحشتناکی را برای ماههای آتی زندگی کارگران رقم زده اند . در طی این چهل سال جمهوری اسلامی تنها یک رسالت داشته و آن حفظ منافع سرمایه داران و تامین شرایط مناسب برای غارتگری و چپاول آنها به هر قیمتی و به این رسالت خود به خوبی عمل کرده است و به وضوح نشان داده که نه می خواهد و نه میتواند ابتدایی ترین حق و حقوق کارگران را تامین کند ولی اینک تشدید تحریمها و عدم فروش نفت و به دنبال آن شیوع کرونا جمهوری اسلامی را در اوج ورشکستگی و استیصال قرار داده که در این چهل سال سابقه نداشته ، درماندگی و به بن بست رسیدن رژیم در ماههای آینده بوضوح مشهود است و البته چشم انداز تیره و تاری برای کارگران و زحمتکشان و توده های محروم جامعه . بی تردید تنها با مبارزه برای افزایش دستمزدها ، بیمه ، مسکن و انبوهی از مطالبات بخشهای مختلف جامعه میتوانند با این مطالبات دست یابند ولی این مبارزه به شکل پراکنده به نتیجه ای نخواهد رسید و رژیم به راحتی آن را سرکوب خواهد کرد کاری که در این چهل سال همیشه در اجرای آن موفق بوده . آنچه بیش از کرونا جان و زندگی کارگران و زحمتکشان و تمامی مزد بگیران را تهدید میکند بیکاری و فقر و گرسنگی است ، اینک که رژیم در ضعیفترین شرایط اقتصادی و سیاسی عمر چهل ساله خود قرار گرفته نباید اجازه داد کرونا ناجی رژیم شود ، کارگران و تمامی مزد بگیران ، معلمان ، دانشجویان و جوانان میبایست متحد و یکپارچه تعرض همه جانبه ای بر علیه رژیم را سازمان دهند ، تنها راه تحقق همه مطالبات اعتراضات گسترده خیابانی و اعتصاب عمومی و تعرض به بنیانهای اقتصادی و سیاسی رژیم است . برچیدن بساط

این رژیم فاسد و جنایتکار و بدست گرفتن

قدرت توسط کارگران تنها راه رهایی از گرسنگی و فقر و بیخانمانی و استبداد است .

هرچه مستحکم تر باد اتحاد و همبستگی

کارگران و زحمتکشان

سرنگون باد رژیم ددمنش جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فداییان کمونیست

کمیته ایالتی تهران - 7/ 99/ 2

داشتن مسکن مناسب حق هر انسانی است .

جمهوری فدراتیو شورایی
ایجاد مسکن مناسب مدرن
و مجهز برای کلیه
شهروندان را هدف فوری
خود قرار می دهد و با قطع
سلطه سرمایه داران ،
محتکرین و دلالان از امور
مسکن و کار و زندگی مردم
، امکان دسترسی همه
شهروندان به مسکن
مناسب را تضمین می کند .

کمیته تبلیغات و انتشارات فداییان کمونیست
<https://fedayi.org/>

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی !**



در جدال با سرمایه داری و کرونا

نوشین شفاهی

ادامه از صفحه یک

... هیچ چیزی بهتر از سیستم سرمایه داری قادر نیست زمینه ساز باروری بیشتر برای بدبختی های انسانی باشد. سرمایه داری با ماهیت ضد بشری اش و با بحرانهای لاینحل اش که زوال بشریت را به امری محتمل تبدیل کرده است، هیچ تعجیلی در تامین محیطی سالم برای زیست انسانی و طبیعت، و در الویت قرار دادن آن را نداشته و ندارد. با جنگ افروزی های بی پایان و ریاضت های خانمان برانداز- که تار و پود زندگی میلیاردها توده زحمتکش از هم پاشیده- بدون کرونا، سیل و زلزله هم، میلیونها نفر هر روزه با مرگ دست و پنجه نرم میکنند.

ویروس کرونا ورشکستگی اقتصاد سرمایه داری در قبال پاسخ انسانی و سریع به این بیماری کشنده را هرچه بیشتر در معرض دید جهانیان قرار داده است. در چند دهه اخیر شاهد عروج موج پوپولیستهای اولترا راست بوده ایم که هزینه اقتصاد ورشکسته و بحرانهای مالی اش را با کاهش و یا انکار خدمات اجتماعی از جمله اقدامات پیشگیرانه برای اپیدمیهای نظیر کرونا و غیره تامین کرده است.

جدال سرمایه داری با بحران پندمی کرونا که به سرعت بحران اقتصادی را با پیامدهای ناشناخته برای ثبات مالی به آتش کشیده است دولتهای های سرمایه داری را بشدت نگران بروز خیزشهای سیاسی کرده است. سال گذشته ایران، فرانسه، هنگ کنگ، عراق، شیلی، سودان، و لبنان صحنه اعتراضات مردمی بود که نیاز به انزوای اجتماعی، ناگزیر خیابانها را از ازدحام خالی کرده است. ولی در شرایطی که میلیونها کارگر و زحمتکش از کار بیکار گشته و قدرت خرید میلیونها نفر به صفر مطلق رسیده نیاز برای تغییر به یک امر جهانی تبدیل شده است.

عوامفریبی رژیم اسلامی

سرمایه داری بطور کلی و رژیم جمهوری اسلامی بطور اخص، هرگز اجازه نداده است که هیچ بحرانی به هدر رود. در حالیکه بحران کرونا و بحران سیاسی - اجتماعی به افزایش ناراضیانی عمومی میدان بیشتری داده است و اوضاع معیشتی توده ها بویژه اقشار کم درآمد بسیار وخیم گشته است، فرصت برای تصویب قوانین ارتجاعی و سرکوب هر گونه مخالفی توجیهاات جدیدی پیدا کرده است. سیاستهای ضد کارگری و ضد انقلابی نئولیبرالیسم رژیم وخامت این بحرانها را تشدید و تواتر رخداد آنها را شدت بخشیده است. بلایای طبیعی نظیر سیل و طوفان و زلزله که دیگر نه چندان طبیعی بلکه پیامد رویکردهای مخرب اقتصادی-اجتماعی و ساز و کارهای ها نامن و غیر استاندارد است، به یک نرّم جدید زندگی در ایران تبدیل شده است.

فشار مضاعف تحریمها و پندمیک کرونا کارگران را بیشتر بطرف بیکاری و فقر مطلق رانده است. نرخ بیکاری در سال 98 که رسماً از طرف مرکز آمار ایران اعلام شده است 10.8 بوده است که البته این سرشماری با احتساب کار کودکان بالاتر از 10 ساله ارزیابی گشته است.

بسیاری از کارگران هم بدلیل اعمال سیاستهای ناشی از اپیدمی توسط کشورهای مجاور، بیکار شده و یا کارمندان و کارگران خدماتی که با کساد بازار مواجه گشته اند همه بنوبه خود تاثیرات دومینویی اسفباری بر بقیه سطوح بازار کار گذاشته است. در این میانه دهن کجی دولت روحانی به نیازهای مردم نهایت دنائت رژیم را نشان میدهد. اختصاص وام قرض الحسنه یک میلیون تومانی با سود 12 درصد در مقابل خط فقر 5

میلیونی به ریشخند گرفتن توده های مردم بود و بس. یک چشمه دیگر از وقاحت رژیم اعلام بنیاد مستضعفین به دادن هدیه یک میلیون تومانی به کولبران است. بنیاد مستضعفین که یکی از بزرگترین موسسات پولشویی و غارتگر اموال عمومی است، اعلام میکند که برای کمک به کارگران کولبر که بخاطر کرونا آسیب معیشتی دیده اند هدیه یک میلیون تومانی در نظر گرفته است، و این در حالیست که این عوام فریبان هرگز از کشتن کولبرها لحظه ای غافل نمانده اند. اینها تصاویر تلخ و تراژیک از مشقات مردم و برخورد مفتضحانه سرمایه داری کثیف اسلامی با این معضلات است.

پندمی کرونا در جهان با درجات کم و بیش، هم درماندگی سیستم سود-محور موجود را به نمایش گذاشته و هم ثابت کرده که هرجایی که طبقات زحمتکش سهمی از دمکراسی موجود داشته اند بهمان اندازه هم به نیازها، امنیت و خواسته هایشان هم توجه شده است. جمهوری اسلامی نه تنها نشان داد مطابق معمول ارزشی برای جان انسانها قائل نیست بلکه از این فرصت برای سرکوب کردن اعتراضات و خفه کردن هر گونه صدای معترضی استفاده کرده و عامدانه موجد گسترش این ویروس به سرتاسر کشور شد. از طرف دیگر اقتصاد آسیب دیده رژیم که با تحمیل هزینه های ناشی از کرونا و کاهش تولید عملاً فلج گشته است، کاهش تقاضای نفت، محدود شدن تردد تجاری چین و اعمال محدودیتهای تجاری با کشورهای همسایه هم لطمات مهلکی بر پیکر آن وارد کرده است. و طبعاً تبعات آن افزایش بیشتر بیکاری، افت هر چه بیشتر قدرت خرید توده ها، و تحمیل شوکهای سنگین به بودجه و سرویسهای

در جدال با سرمایه داری و کرونا

خدماتی و عمومی خواهد بود. اگر آنطور که پیش بینی میشود احتمال اینکه ما شاهد دوره دیگری از اوجگیری کووید ۱۹ باشیم، استیصال رژیم در کنترل و مهار کرونا عواقب فاجعه بارتری را ببار خواهد آورد. با رشد اقتصادی که بدون نفت صفر می باشد، با نرخ تورم بیش از ۲۵ درصد، با دزدبهای سیستماتیک سران رژیم، و با کسری بودجه زیاد بهترین سناریو ممکن پیش رو، دوره‌ا برآمد آبان های گریزناپذیر دیگری خواهد بود.

تجربه کرونا و امکان دنیایی نوین

کرونا قربانیان زیادی گرفته است و هنوز هم همچنان قربانی میگیرد ولی تحولات عمیقی هم در آگاهی توده ها نسبت به ساز و کار جامعه و محیط دور و برشان ایجاد کرده و اوضاع را در جهت راه حلهای انقلابی بیشتر در بستر یک رویکرد جهانی آماده کرده است. بحرانهای اخیر نشان داد که نه بحران زیست محیطی بحرانی خودی و یا منطقه ایست و نه پندمی بیماریها و ویروسهای خطرناکی مثل کرونا میتواند یک معضل ملی یک کشور باقی بماند.

پاسخ به این بیماری و هر معضل دیگری را نمیتوان به سیاستمداران سرمایه داری و احزاب رنگارنگش وا گذاشت. دغدغه اصلی این جماعت حفظ سود طبقه حاکم بهر طریق ممکن است. کرونا نقاط ضعف عمده ای را

در اقتصاد سرمایه داری به معرض نمایش گذاشته است. راه حلهایی که توسط برخی از این کشورها برای کنترل کردن پیامدهای این ویروس اجرا شده است به باور عمومی مردم ثابت کرد که جز یک رویکرد انسانی (با هر درجه ممکن) که مبتنی باشد بر نیازهای شهروندانش و همیاری عمومی، ادامه حیات انسانی در مخاطره جدی قرار خواهد گرفت. دولتهای بسیاری مجبور شدند علیرغم میلشان حتی برای چند هفته هم شده در کیسه هایشان را شل کرده و حداقل هزینه های زیست را برای خانه نشینان فراهم کنند. مجبور شدند که برای زنده ماندن خود و نزدیکانشان می بایست به امنیت جانی بقیه کمک کنند. مجبور شدند که چرخه پول-محور سیستم را موقتا بر تامین نیازهای نسبی درمانی و بهداشتی انسانها قرار بدهند.

ولی ماهیت تخریبگر سرمایه داری بحران زاست و اگر کارگران نتوانند مهار افسار گسیخته این سیستم مرگ آفرین و تخریبگر را در دست بگیرند، بشریت در مقابل سومین بحران بزرگ آینده که بطور فزاینده ای سیاره زمین را غیر قابل سکونت خواهد کرد، در خواهد ماند و شانس زنده ماندن در مقابل پندومی های آینده شاید کم و کمتر شود. معلوم نیست که این اپیدمی چقدر طول بکشد، و کی تمام میشود که دوباره اعتراضات عمومی بتواند به صحنه کارخانه ها، خیابانها و دانشگاهها برگردد. ولی با این بحران و یا بی آن، طبقه کارگر نمی تواند منفعل بماند. امنیت جانی و بهداشتی، و رفع نیازهای اولیه در دستور اول مبارزاتی قرار دارد و باید برای

منافع نزدیک و دورش، خود را سازماندهی کرده و مبارزه کند. طبعاً اشکال مبارزه تغییر کرده و یا در فرمهای دیگری خود را بروز میدهد ولی مبارزه طبقاتی هرگز تعطیل بردار نخواهد شد. کارگران در کمیته های محل کار و محلات کارگری در ارتباط با هم خواهند ماند و خود را برای هماهنگی فعالیت های مبارزاتی شان، بسیج قدرت جمعی شان، حمایت از همبستگی عمومی برای برخورداری از امکانات مالی، و بهداشتی دوران بحران کرونا سازماندهی کرده، و خود را برای نظارت بر پروسه اجرای یک محیط امن کاری آماده خواهند کرد.

این فجایع چشم توده های مردم را بر روی واقعیات دنیای کثیفی که سرمایه داری بر تل کشتارهای انسانی بیشماری که ساخته، باز کرده است. جهان سرمایه دهها سال است که بر طبل جنگ میکوبد و مردم را از جنگ عنقریب جهانی سوم میترساند، در حالیکه تمامی این سالها به عیان شاهد بوده ایم که جنگش علیه کارگران، مهاجران، کودکان و زنان، و کل طبقات فرودست و آسیب پذیر جامعه بوده است. دهها سال است که کمونیستها خطر این سیستم ضد بشری را هشدار داده اند و در تاریخ ثبت کرده اند که برای رستگاری انسان از گزند این زالوی خونخوار جز سوسیالیسم راهی نبوده و گرنه بربریت که همانطور که شاهدش هستیم بنیان جوامع بشری را مثل خوره در بر خواهد گرفت. کمونیستها همواره بر این باور بوده اند که جز یک انقلاب سوسیالیستی چیز دیگری بشر را از این منجلا ب سرمایه داری نجات خواهد داد. لنین گفت وقتی که سرمایه داری چیز دیگری در چننه اش برای حل معضلات جامعه ندارد و کارگران دیگر به وعده های سیستم باور ندارند انقلاب در میگیرد. تروتسکی گفت مردم زمانی انقلاب میکنند وقتی که هیچ راه برون رفتی از این نکبت سرمایه داری وجود ندارد و ما کمونیستها همچنان میگوییم اگر بخواهیم حیاتبخشی این دنیا را امکانپذیر بکنیم سرمایه داری باید برود. و این جز با سازمانیابی طبقه کارگر بدست خودش، حزب خودش، و انقلاب سوسیالیستی میسر نمیشود.

نوشین شفاهی

۲۷ آوریل ۲۰۲۰

در هفتاد و پنجمین سالگرد فتح برلین توسط ارتش سرخ و شکست فاشیسم، یاد و خاطره تمام رزمندگان کمونیست و دلاوری و ازجان گذشتگی مبارزان ضد فاشیست که زندگی خود را وقف رهائی بشریت از شر فاشیسم کردند، را گرامی داریم.

زنده باد سوسیالیسم

گرامی باد هفتاد و پنجمین سالگرد فتح برلین توسط ارتش سرخ و شکست فاشیسم.

کمیته تبلیغات و انتشارات فداییان کمونیست
<https://fedayi.org/>

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

اعدام ابزار ارجاع جامعه است. علیه حکومت اعدام بایستیم!

جمهوری اسلامی حاکمیت ارتجاعی و ضد انقلابی اش را با اعدام مخالفین سیاسی آغاز کرد و طی بیش از چهار دهه، اعدام یک ابزار کلیدی سرکوب جامعه بوده است. از اعدام های صحرانی ماه های بعد از انقلاب ۵۷ در کردستان و ترکمن صحرا تا اعدام گسترده زندانیان سیاسی در مقاطع مختلف دهه شصت، از اعدام های در ملأ عام زندانیان عادی تا قتل عام در تظاهرات ها و اعتراضات توده ای، همه یک هدف را دنبال کرده اند: **بقای حکومت با اتکا به سرکوب و گسترش ارجاع در جامعه!**

اعدام یک قتل عمد دولتی است. تنها تفاوت قتل توسط دولت با قتل توسط افراد این است که قتل توسط فرد ممکن است خواسته یا ناخواسته رخ دهد، اما دولت عامدانه و آگاهانه اعدام می کند، با نقشه قبلی و طی مراسمی شنیع می کشد، برای آن دادگاه و قاضی و جلد دارد، و بدتر؛ آنرا بنام "اجرای عدالت" جاری می کند. حکومت و نظامی که راه حل دردهای اجتماعی را جلد و اعدام می داند، حتی بعنوان یک نظم بورژوائی پوسیده تر از اسلاف خویش است. قربانیان اعدام، برخلاف ادعای "مقابله با جرم" دولتها، اساساً مردمی هستند که سلطه سیاسی و فرهنگی قدرت حاکمه تن نمی دهند. اعدام یک جنایت سازمان یافته دولتی برای خط زدن صورت مسئله معضلات اجتماعی است که مسبب آن نظم و مناسبات اقتصادی کنونی است.

اعدام های اخیر در شهرهای مختلف ایران بویژه در وحشت از تلاطمات سیاسی و اعتراضات توده ای و کارگری است و در عین حال پاسخی به شورش زندانیان در زندان های ایران است که بین مرگ در اثر کرونا و شلیک زندانیان، دومی را انتخاب کردند. دستور "رئیس" جلد برای اجرای سریع احکام اعدام صادر شده، تلاشی برای نشان دادن دندان تیز و قدرت سرکوب نظام اسلامی به جامعه ای است که از هم اکنون اعتراض و اعتصاب در آن مجدداً آغاز شده است. اعدام های اخیر یک سیاست پیشگیرانه برای جلوگیری از تکرار خیزش های آبانماه است که بسرعت اوج می گیرد. در این میان سیاست جمهوری اسلامی این است که خانواده های مقتولین را وسیله و شریک اجرای اعدام و اهداف ارتجاعی و جنایتکارانه خود کند. با اعدام، هیچ زندگی از دست رفته ای بر نمی گردد، با اعدام هیچ درد فقدانی التیام نمی یابد، با اعدام تنها چرخ های ماشین جنایت روغنکاری و سنت قرون وسطائی "خون در مقابل خون" مرمت می شود. اعدام ارتکاب قتل مجدد و قانونی و دامن زدن به روحیه انتقامجویی در جامعه است. هر جامعه ای که به آزادی با هر روایتی فکر میکند، باید آگاهانه از آن عبور کند و وظیفه خود را در هم کوبیدن ریشه های اقتصادی و اجتماعی جنایت و قتل و شانس دادن به افراد برای بازگشت به یک زندگی مفید قرار دهد.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، خانواده های قربانیان، آزادیخواهان و بویژه طبقه کارگر و اردوی چپ جامعه را به تقابل آگاهانه با اهداف ارتجاعی حکومت اسلامی و سیاست اعدام فرامی خواند. خانواده های قربانیان نباید وسیله جنایت و اهداف حکومتی شوند. ما از تلاش های مردم آزادیخواهی که تلاش دارند مانع هر اعدامی شوند قدرانی می کنیم و در عین حال بر ضرورت یک اقدام گسترده و اجتماعی علیه سیاست حکومت اسلامی و اهداف ارتجاعی و ضد کارگری تاکید داریم. ما اهداف جمهوری اسلامی و این قتل های حکومتی را قویاً محکوم می کنیم و از مردم آزادیخواه ایران در داخل و خارج کشور می خواهیم همصدا با ما و با ابتکارات مختلف در مقابل سیاست ها و اهداف ارتجاعی جمهوری اسلامی سد محکمی ایجاد کنند. ما خواهان آزادی فوری زندانیان سیاسی، توقف و لغو احکام اعدام و آزادی زندانیان عادی در شرایط بحران کرونا هستیم. **نه به اعدام! اعدام باید ممنوع و ملغی شود!** حق حیات یک حق پایه ای انسان هاست و هیچ دولت و قدرت و اتوریته ای حق سلب آنرا ندارد!

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!**

۶ مه ۲۰۲۰ - ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۹

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت)، هسته اقلیت.

“ عملیات اوباما ”

گزارشاتی از کوبا

خسرو اسدیان

ادامه از صفحه یک

هلیکوپتر به میامی در ایالت فلوریدا فرار کرد و جنایت، تبهکاری، دزدی و فقر، تهیدستی، بیماری، بیکاری و بیسوادی را در کشور به جای گذاشت. پیروزی انقلاب کوبا تا به امروز نشان داده است که با توجه به تهاجمات نظامی، به طور شاخص حمله وشکست افتضاح آمیز امریکای شمالی با کمک مزدوران خود در خلیج خوکها (Playa Giron) در ۱۷ آوریل ۱۹۶۱، که به گفته فیدل کاسترو “بزرگترین شکست تاریخی امپریالیست در حمله به یک کشور” محسوب میشود، و با توجه به تهاجمات سیاسی ومحاصره اقتصادی بی رحمانه ای که از طرف ایالات متحده امریکا بیش از ۶۰ سال (محاصره اقتصادی امپریالیسم امریکا برضد کوبا یک سال بعد از انقلاب آغاز شد، زمانیکه کوبا تمامی کمپانی ها و شرکتهای غارتگر امریکایی از جمله شرکت نفتی شل، کمپانی فروت و غیره را به نفع توده های مردم مصادره ومیلیونها هکتار زمین فنودالان فراری به امریکا را، به نفع دهقانان وکشاورزان تقسیم نمود) بر علیه کوبا در جریان است و روزبروز شدیدتر میشود، امپریالیست نتوانسته است تا با امروز به نیت خود برسد و مقاومت استقلال طلبانه کوبا را درهم بشکند و این نشانگر عواملی است که بایستی به آن نظر انداخت و علتها و دلایل این استقامت و پایداری را مورد بررسی قرار داد.

یکی از این دلایل پایداری کوبا، هوشیاری و آگاهی توده های مردم کوبا، با داشتن رهبران هوشمند، مبارز، خستگی ناپذیر، مارکسیست، انترناسیونالیست واز خودگذشته گانی چون فیدل کاسترو، ارنستوچه گوارا و هزاران مبارز دیگر بوده که نتوانسته است تا به امروز با تمامی کمبودها در مقابل تهاجمات و حيله های گوناگون امپریالیسم مقاومت کند.

با آشنایی ومطالعات کم وبیشی که در باره تاریخ کوبا داشتیم و برای اینکه نتوانسته باشم اطلاعات و تجربه خود را درمورد این کشور

در امورتاریخ سیاسی - اقتصادی این کشور، در باره شرایط زندگی

مردم، تاریخ قاره امریکا از شمال تا جنوب، از کانادا تا آرژانتین، در امور شرایط تحصیلی و آموزش و پرورش، سیستم درمانی و پزشکی این کشور، در امور مجامع کارگری و سندیکاهها، در مورد مجتمعا و انجمنهای سیاسی - اجتماعی، چگونگی کار وتولید، افزایش دهم، موفق شدم چندی پیش برای یکسال اقامت و تحصیل وارد کوبا بشم. ناگفته نیست قبل از این اقامت یکساله، اگر درست شمرده باشم، بیش از سی دفعه در طی سالهای گذشته به کوبا سفر کرده ام که تمامی این سفرها تاکنون به همراه گروه های کارو بهمراه جمعی از افراد مختلف انجام گرفته است.

بهمین خاطر تعدادی از یادداشتها و نوشته های اخیرم را که در طی اقامتم در کوبا به دو زبان مختلف انتشار داده ام، هم اکنون به فارسی ترجمه کرده و به اطلاع علاقمندان میرسانم. در بعضی از این مقالات بدون اینکه شکل و شیوه گزارشگری را در خود داشته باشم، به گونه مکالمه و گفت و شنود بازگو شده و در امور مباحث مختلف در این جزیره به شکل مقالات و مباحثات ادامه دارد نوبتهای بعدی به اطلاع میرسد.

امیدوارم قادر بوده باشم گوشه کوچکی از مسائل کوبای انقلابی را به گوش شما برسانم! با یکی از مقالاتم با نام “عملیات اوباما” آغاز میکنم.

“عملیات اوباما”

پنج سال قبل از سفر اوباما رئیس جمهور ایالات متحده امریکا به کوبا، بر حسب اتفاق با یک گرینگو (Gringo) - این اصطلاحی ست ریشخندمانند و اعتراضی از طرف اهالی امریکای مرکزی، بخصوص از طرف مردم مکزیک نسبت به اهالی سفیدپوست

“ انقلاب کاری ست که با جسوریت. هوشیاری و واقع بینی بدست میاید ”

فیدل کاسترو



امریکای شمالی ست که به آنها لقب داده میشود. گرینگوها همیشه با رفتار خود همچون آقابالاسروه همچون استعمارگران پولدار همیشه خود را جا زده و رفتار و کردارشان تا با امروزمورد اعتراض و نفرت توده های امریکای مرکزی ست) دراروپا نشست کوتاهی داشتیم. با وی گفتگویی در مورد مناسبات بین امریکای شمالی و کوبا کردم. بعد از اینکه من به ایشان گفتم که امریکا بایستی به کوبا همانند یک همسایه نظر داشته باشد واحترام متقابل را حفظ کند، بدون اینکه توهین و اتهامی به این کشور بزند، جواب داد: “تا زمانیکه فیدل کاسترو سر کاراست، هیچ رابطه ای و مناسباتی با کوبا انجام نخواهد شد.” من میدانم این گرینگو را هیچ وقت دیگر نخواهم دید. اما حداقل امیدوارم وی امروز به این موضوع رسیده است که با مغز بتنی کاری از پیش نخواهد رفت بلکه درک، صبروخرد و مقاومت خلق کوبا و تجربه و آگاهی رهبران کوبا است که نتوانسته است، مقاومت انقلاب کوبا را همچنان تا به امروز پایدار نگه دارد. مقاومت کوبا نشان میدهد که بر خلاف عقیده گرینگوها، با توجه باینکه هنوز فیدل کاسترو عنصر مهم جامعه کوبا محسوب میشود، با این وجود اوباما رئیس جمهور امریکا به کوبا خواهد آمد. نیروهای ارتجاعی در امریکای شمالی و دیگر نقاط دنیا مقاومت کوبا را به خوبی در مقابل خود دیده و بعد از گذشت ۵۷ سال (تا ماه مارس ۲۰۱۶، زمان ورود اوباما به کوبا) از انقلاب کوبا، راههای دیگری برای تغییر و تحول در کوبا به خیال خود در پیش گرفته و اوباما را بعنوان رهبری جهان امپریالیسم راهی کوبا میکنند تا در حد ناچیزی هم شده مناسبات کم و بیش “معمولی” خود را با این کشور پایه ریزی کنند به امید اینکه تغییر وتحولاتی و تغییر حکومتی را در کوبا بوجود آورند.

گزارشاتی از کوبا

در این دوره بخصوص در دهه ۲۰۱۰ همبستگی بین المللی، رابطه های رضایت بخش کوبا با امریکای لاتین، دوره ای که زنجیره ای از حکومت های چپ امریکای لاتین افزایش یافته، از حکومت حزب کارگر به رهبری لولا در برزیل، مورالس در بولیوی، کوره ۱ در اکوادور، چاوز در ونزوئلا، حکومت انقلابی اوروگوئه و بخصوص جامعه اتحاد کشورهای آفریقا گرفته تا اعتراضات آفریقای جنوبی به همراهی کشورهای یاد شده که ضد محاصره اقتصادی امریکای شمالی بر علیه کوبا هستند، تماما نشان داد که کوبا در دنیا تنها نبوده و این مسئله تا آنجا رسید که با فشار این کشورها بخصوص اتحادیه کشورهای آفریقای، سفر اوپاما، برای آمدن به کوبا سازماندهی شد. ناگفته نیست در این میان واتیکان به واسطه گری مستقیم پاپ با مباحثات و مذاکرات محرمانه بیش از چند سال میانجی امریکای شمالی و کوبا بوده و نقش بسزایی را برای سفر اوپاما به کوبا بازی میکند. اوپاما هم به این موضوع و توصیه واتیکان و فشارهای کشورهای مختلف دنیا و برای اینکه هرچه بیشتر از ایزوله شدن ایالات متحده امریکا جلوگیری کند، گوش داده و به همین خاطر روز ۲۱ ماه مارس ۲۰۱۶ وارد هاوانا خواهد شد.

تدارک وسیعی برای دیدار اوپاما در حال جریان است. در ماه دسامبر سال گذشته و در ژانویه امسال بارنده گی شدیدی که خیلی غیرمنتظره و بی سابقه بود، موجب ایجاد سیل در خیلی از مناطق هاوانا شد و بخصوص مناطق و ناحیه ماله کن (Malecón) که ساحل دریایی هاوانا میباشد و بیش از ۲۰ کیلومتر طول دارد، زیر آب قرار گرفت. این طوفان وسیل که چندین روز ادامه داشت، تدارکات برای زمان ورود اوپاما را به کندی کشانده. وقت زیادی برای آمدن وی نمانده است، چرا که در هر صورت تاریخ آمدن رئیس جمهور امریکا از مدتها قبل تعیین شده و میبایستی سر موعد، تمامی سازماندهی و تدارکات به پایان برسد. بعد از

پایان سیل، اقدامات وسیعی برای بازسازی آغاز گشت. تمامی خیابانهای ساحلی هاوانا مورد تعمیر، تکمیل و نوسازی قرار گرفته. هفته هاست که صدها معمار، کارگر و نقاش و تعمیرکار ساختمانی، آسفالتچی و غیره مشغول تزئین و تعمیر و سر و سامان دادن به هاوانا هستند. هاوانا بیشتر از پیش زیباتر شده. نیروهای کار، بی وقفه، حتی در شیفتهای هم مشغول کارند. تعمیرکاران و تمامی نیروهای کار که مشغول جنب و جوش و تعمیر هستند، این تدارکات و سازماندهی را "عملیات اوپاما" مینامند. وقت کمه، چرا که او میاید. باید سر وقت همه چیز تمام شود.

اوپاما همچون رئیس جمهورهای دیگر امریکا در دیدار از کشورها، کاری که انجام میدهد، این است که او هم همچون بقیه، دست به سخنرانی در هاوانا بزند و اجازه دارد سخنرانی را انجام دهد. عده ای میآیند که به سخنرانی گوش دهند. برای کوبا هیچ مشکلی نیست که وی در ملاء عام سخنرانی را انجام دهد. برعکس برای امریکای شمالی مشکل است و قابل قبول نیست که یک رئیس جمهور کوبا در ملاء عام در امریکا در حضار مردم به سخنرانی بپردازد. او میتواند در کوبا در باره هر چه دلش خواست، صحبت کند.

بعد از ۸۲ سال این اولین بار است که یک رئیس جمهور امریکا از کوبا دیدن میکند. به همراه وی یک اکیپ معروف باشگاههای بیس بال امریکا هم برای مسابقه با معروفترین تیم بیس بال کوبا وارد هاوانا خواهد شد که در ۲۵ مارس در میدان معروف سرو (Cerro) مسابقه ای را انجام خواهد داد. کنسرت و موسیقی هم این سفر اوپاما را همراهی خواهد کرد. بیهوده نیست که آخر ماه مارس گروه (Rolling Stone) هم کنسرتی را در بزرگترین استادیوم ورزشی هاوانا برگزار خواهد کرد. نظرات انعکاس یافته در کوبا که در باره این سفر از مردم می شنوم:

"ما خوشحالیم که اوپاما میآید. ما علاقه داریم با امریکا پیمانهای سیاسی و معاملات اقتصادی داشته باشیم. ما میتوانیم نیکل، روم- مشروبات کوبایی، سیگار، امکانات

توریستی، تجربیات و محصولات پزشکی، نیروها و پرسنل آموزشی، کارشناس و کاردانهای متخصص تکنیکی به امریکا عرضه کنیم. در مقابل احتیاج به خیلی چیزها داریم. ماشین آلات، محصولات و تکنیک کشاورزی، قطعات یدکی، موارد مورد نیاز ما هست. این وسائل همیشه برای ما بسیار گران تمام میشود، چرا که بخاطر محاصره امریکا، دهها سال است که مجبوریم این وسائل را از کشورهای سوم تهیه و وارد کنیم که چندین برابر قیمت جهانی برای ما تمام میشود. این برای ما بسیار دردآور و غیرقابل قبول است. این یک واقعیت است که محاصره اقتصادی ایالات متحده بر علیه ما یک نوع پایمال کردن حقوق بشر است. منطقه گوانتانامو (Guantanamo) هنوز تحت اشغال امریکا است. ما خلیج گوانتانامو را میخواهیم پس بگیریم. بیش از ۱۱۴ سال است که گوانتانامو تحت اشغال امریکا است. در واقع، آمدن اوپاما، فقط یک دیدار است. با امریکا ما یک راه طولانی و دراز، پیش روی خود داریم! مهم این است که ما و فیدل هوشیارانه هیچگاه قصد تحریک امریکا را نداشته ایم! شما دیده اید که تاکنون و تا به امروز، ما یکبار هم شده، پرچم امریکا را بسوزانیم! اما یک قدم از حقوق خود، عقب نشینی نخواهیم کرد! ما هیچ توهمی نداریم که حال همه چیز روبراه میشه و همه چیز روال بهتر شدن را پیش خواهد برد و فردا محاصره اقتصادی برداشته خواهد شد. برای ما بسیار خوشایند و موجب شادی بخش بود که در چند ماه پیش در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۵ پنج نفر ("Los Cincos" کوبایی که بیش از ۱۷ سال در زندانهای امریکا به حبس ابد و حبسهای غیرانسانی انفرادی، به نادرستی به اتهام جاسوسی در امریکا دستگیر شده بودند، آزاد شدند و به کوبا برگشتند. آزادی این پنج نفر، یک پیروزی برای ما بود. دیدار اوپاما یک موفقیت بسیار کوچک دیگری ست که صورت می گیرد و از اینکه ما هیچ توهمی و خوش بینی به این مسئله نداریم، روشن است، اما با قدمهای آگاهانه به مذاکراتمان ادامه خواهیم داد و شاید سال ۲۰۱۷، با گفتگوهای واقعی و روشن، بتوان در باره پایان محاصره اقتصادی به صحبت نشست."

گزارشاتی از کوبا

”کسی که مبارزه میکند، میتواند به پیروزی برسد، اما کسی که دست به مبارزه نزند، از قبل شکست خورده است.“ برتولت برشت

خسرو اسدیان هاوانا، مارس ۲۰۱۶

*حرکت ۲۶ جولای ۱۹۵۳، مونکادا (Moncada, 26.Julio.1953 در ۲۶ جولای ۱۹۵۳، شش سال قبل از انقلاب کوبا، فیدل کاسترو به همراه برادرش رائول و بیش از صد نفر از انقلابیون مسلح زن و مرد به مونکادا، دومین پادگان بزرگ کوبا در شرق این کشور در نزدیکی شهر سانتیاگو حمله کردند. این حمله به نافرجام رسید و دهها نفر از انقلابیون جان خود را از دست دادند. فیدل کاسترو و رائول به همراه چهل نفر دیگر از مبارزین دستگیر و به زندان در جزیره (Isla de la Juventud) محکوم شدند. حمله به پادگان مونکادا، حرکت انقلابی بود بر علیه دیکتاتوری ژنرال باتیستا و بر علیه فقر، فحشا و تباهی و رشوه خواری، تعقیب و شکنجه حکومت دست نشانده امریکای شمالی، که در سال ۱۹۵۲ با یک کودتای نظامی خود را به کرسی نشاند!

امروز در کوبا، آغاز انقلاب ۱۹۵۹ میلادی را به تاریخ ۲۶ جولای ۱۹۵۳ متعلق می بینند، چرا که کوبایی ها معتقدند، برای اولین بار یک نیروی انقلابی و مسلح توانست جزیره ثبات باتیستا را بلرز در آورد و شروع انقلاب از آن زمان پایه گرفته است!

در تکمیل این مقاله که هم اکنون آنرا مینویسم، به این موضوع اشاره کنم که در نوامبر ۲۰۱۶ یعنی هشت ماه بعد از ورود اواما به کوبا، ترامپ رهبریت امپریالیستها را در امریکا بدست گرفت و امروز می بینیم که محاصره اقتصادی و فشارهای سیاسی امریکا به همراه همپیمانان امپریالیستی خود، روز بروز بر علیه کوبا افزایش یافته است و ترامپ پیمانهای کم و بیشی را که اواما در سفر مارس ۲۰۱۶ در موارد وضع ویزاهای دو طرفه، پیمانهای معاملات بانکی و رد و بدل ارز، همکاریهای هنری، ورزشی،

ادامه در صفحه ۱۴

جنایت جمهوری اسلامی در کشتار کارگران مهاجر افغانی محکوم است

انتشار گزارشات متعدد، دستان خونین جمهوری اسلامی را در جانباختن عده ای از کارگران مهاجر افغانستانی از پرده برون افکند.

به گزارش خیرگزاریهها حدود ۵۰ نفر از مهاجران افغانستانی جویای کار که میخواستند وارد خاک ایران شوند، دستگیر و پس از ضرب و شتم و شکنجه، وادار به عبور از رودخانه هریرود می شوند که از این تعداد ۱۲ نفر نجات پیدا می کنند و ۱۳ جسد از آب گرفته می شود. بنا به گزارشات محلی ماموران ایران دو نوجوان مهاجر ۱۳ و ۱۷ ساله را در کیسه کرده، در کیسه ها را بسته و در آب انداخته اند و جنازه ها در داخل همان کیسه ها پیدا شده اند. «یکی از نجات یافتگان گفته است: ”آن قدر زدند تا دلشان می خواست. لباس های ما مردم را بیرون کردند و لخت شکنجه می کردند. هر چه دلشان می خواست می کردند. التماس کردیم، به پاهایشان افتادیم اما هیچ رحمی نکردند. ما غرق آب بودیم اما آنان بر ما می خندیدند. چند کودک نیز با ما بودند که در آب ها جان هایشان را از دست دادند” این شدت از خشونت و بی رحمی از سوی ماموران مرزی رژیم البته روش جدیدی نیست بیش از چهل سال است که این سیاست در برخورد به اعتراضات عمومی و بویژه در مناطق نوار مرزی بر علیه مردم محروم توسط نیروهای سرکوبگر رژیم چه در لباس نیروی امنیتی و انتظامی و چه در لباس مرزبان اعمال میشود. مارتکاب این بیرحمی و جنایت علیه کارگران افغانی را محکوم نموده و خواستار اعلام همبستگی کارگران ایران با کارگران افغانستان و محکومیت این جنایت فجیع هستیم. کارگران و زحمتکشان کشورهای منطقه، از جمله ایران و افغانستان می باید با اتحاد و همبستگی و مبارزه مشترک خود جنایتکاران را محکوم و به پاسخگوئی وادارند.

از برنامه سازمان فدائیان کمونیست درباره حقوق پناهجویان

مهاجرین و سایر خارجیان ساکن جمهوری فدراتیو شورایی ایران، همچون دیگر شهروندان از حقوق کامل شهروندی بر خوردارند و حق اشتغال به کار بدون استخدام کار دیگران، برای آنها تضمین می شود.

شوراهای محلی بدون هیچگونه تشریفاتی به اینگونه خارجیان حقوق شهروندی و برابر اعطا می کنند.

در جمهوری فدراتیو شورایی ایران، به کلیه پناهجویانی که بخاطر جرایم سیاسی، مذهبی، عقیدتی، مورد آزار و اذیت قرار گرفته و در خواست پناهندگی می کنند، پناهندگی اعطا کرده و حقوق کامل شهروندی آنها را برسمیت می شناسد.

در جامعه ای که سود جویی، ثروت اندوزی فردی و رفابت، ممانی فعالیتهای اقتصادی را تشکیل می دهد طبیعی است که از منابع طبیعی غیر قابل جایگزینی بشکل بی روه بهره برداری می شود و محیط زیست تابع مطامع سرمایه داران و ثروت اندوزان می شود.

نابودی محیط زیست ضایعه ایست که سرمایه داری به ارمغان آورده است. سوسپالیسم به آینده بشریت و سعادت نسلهای آینده نظر دارد. با اجتماعی شدن تولید و ماده، امکان سازماندهی تولید با کمترین ضایعات زیست محیطی بوجود می آید.

تولید به شیوه ای که کمترین آسیب را به محیط زیست برساند، یکی از جنبه های تولید سوسپالیستی است و کوشش برای حفظ محیط زیست و تغییر شیوه های تولید سازگاری آن با محیط زیست از اهداف تکامل اقتصادی و اجتماعی در جمهوری فدراتیو شورایی جدایی ناپذیر است.

" از برنامه جمهوری فدراتیو شورایی ایران "

کمیته تبلیغات و انتشارات فدائیان کمونیست
<https://fedayi.org/>
 اردیبهشت ۹۹

طرح ربودن يا كشتن مادورو در ونزوئلا

دستگيري دو رنجر امريكايي و بيش از ۴۰ مزدور نظامي

خسرو اسديان

گردد. همسر وی آلمانی بوده و مادر زن وی عضو حزب CSU حزب اتحاد اجتماعيون مسیحی بوده که خود را در چند ماه پیش کاندید برای پارلمان این حزب دست راستی در جنوب ایالت بایرن کرده بود. این حزب در حال حاضر جزو دولت ائتلاف مشترک آلمان بوده و سه وزیر این حزب در دولت آلمان با ائتلاف با سوسیال دمکراتها در حکومت هستند.

گزارش دیگری که به دستمان رسیده! تیراندازی یک مرد مسلح به سفارت کوبا در واشنگتن در نیمه شب 3 آپریل میباشد. در این حمله بخشی از دیوارهای ساختمان سفارت کوبا آسیب دیده است. مرد 42 ساله ای را پلیس دستگیری کرده. او اقرار کرده است که قصد داشته که در حین خارج شدن سفیر کوبا، وی را به قتل برساند. طبق گزارش وزیر امور خارجه کوبا، این فرد در حین حمله به سفارت، پرچم آمریکا را که رو آن TRUMPF2020 نوشته شده بود، در دست داشته و جزو مسیحی های میامی بوده و ملیت کوبایی داشته که از سال 2007 تقاضای پناهندگی در آمریکا را کرده است. طبق گزارشات پلیس آمریکا وی ناراحتی روانی داشته و چندین با مورد معالجه روانی قرار گرفته است! ترامپ دائما اظهار کرده که حکومت کوبا، مردم را سرکوب میکند و این حکومت غیر قابل تحمل برای مردم کوبا است. ترامپ مدام از حمایت کوبا از حکومت اتوریته دیکتاتوری مادورو در ونزوئلا نقل میکند.

دولت کوبا با اعتراض شدید خواهان بررسی و تعقیب عاملین حمله به سفارت کوبا در واشینگتن است. اعتراضات رسمی به دولت ترامپ ارائه شده است.

خسرو اسديان

16 ماه مه 2020

منابع

www.cubadebate.cu

cubainformacion.tv

<https://www.telesurenglish.net/>

www.granma.cu

چرا که این مانور نظامی که از اوایل ماه ماس تاکنون ادامه دارد، هدفی جز اشغال ونزوئلا را، در صورتیکه این عملیات موفقیت آمیز میشد، ندارد. حضور ارتش آمریکا در نزدیکی ونزوئلا و در دریای کارائیب، هدفی جز کمک به دستگیری و ربودن مادورو و انتقال وی به امریکای شمالی ندارد. به گفته رئیس این شرکت خصوصی نظامی، تمامی برنامه ریزی با نیروهای کماندو و شبه نظامی در کلمبیا، همسایه غربی ونزوئلا، طراحی شده بود و امکانات و اجرای عملیات بنابه اطلاعات و پیش بینی های وی بخوبی آماده شده بود.

بنابه گفته وی اجرای این عملیات برای کشتن و یا ربودن مادورو رئیس جمهور ونزوئلا رسمیت قانونی داشته چرا که مخالف مادورو یعنی GUAIDO که خود را جانشین مادورو میداند و ترامپ وی را رئیس جمهور جدید ونزوئلا نامیده است، این قرار داد عملیات را رسماً امضا کرده است. اسناد امضا شده و تمامی این قرارداد را روزنامه Washington post چند روز بعد از مصاحبه، در تاریخ 8 ماه مه انتشار داده است. طراحی و پیشبرد این عملیات و شروع آن در کلمبیا در پایگاه شبهه نظامیان این کشور تدارک شده بود که تمامی این اسناد و ارتباطات را ونزوئلا بر ملا کرده است. دولت کلمبیا هرگونه شرکت و دخالت در این عملیات را رد کرده است. قابل یادآوری است که کلمبیا رسماً از اول ماه مارس در عملیات مانور مشترک "پاکسازی و مبارزه با قاچاق مواد مخدر" با ایالت متحده آمریکا، در منطقه در حال تحرک است. ناگفته نیست که بخصوص از ماه ژانویه ترامپ، بطور دائم، در مصاحبه های خود، مادورو را متهم به "قاچاق مواد مخدر" مینامد.

یکی از کماندوهای امریکایی به نام Luke Denman که سرباز سابق ارتش آمریکا بوده و در این عملیات نافرجام در ونزوئلا دستگیر شده، محل سکونتش به آلمان در ایالت بایرن در جنوب این کشور بر می

در شرایط کنونی ونزوئلا تنها کشوری ست در دنیا که در کنار کوبا مورد تهاجمات و عملیات های خرابکارانه ی ایالات متحده آمریکا و همپیمانانش قرار گرفته است. در روزهای سوم و چهارم ماه مه دهها کماندو که توسط قایقهای سریع السیر قصد پیاده شدن در سواحل شمالی ونزوئلا را داشتند، دستگیر شدند و هشت نفر از مهاجمین کشته شدند. به اقرار دستگیر شدگان و مصاحبه های ویدئویی از آنها، این عملیات نافرجام قصد کنترل فرودگاه کاراکاس و ربودن یا کشتن مادورو، رئیس جمهور ونزوئلا را در دستور کار خود داشت. در میان دستگیر شدگان 2 رنجر سابق ارتش آمریکا که در عراق در عملیات های مختلفی نیز شرکت داشته اند، وجود دارند. یکی از این رنجرها به نام لوک دنمن Luke Denman ارتباطش به آلمان مورد بررسی است. رهبریت این عملیات را شرکت خصوصی شبه نظامی امریکایی Silvercorp در دست داشته. فرماندهی این شرکت در مصاحبه ای مه در تاریخ 5 ماه مه با روزنامه Washington post در آمریکا داشته با تأیید شرکت این نیروی شبهه نظامی در عملیات برای ربودن مادورو، اسنادی را نیز تحویل این روزنامه داده که دال بر ملاقات وی با GUAIDO که خود را جانشین مادورو می داند، میباشد. فرمانده این شرکت در این مصاحبه اشاره میکند که با GUAIDO در ماه مارس در کاخ سفید معاهده ای را برای این عملیات امضا کرده و روزنامه Washington post تمامی این قرارداد را هم اکنون انتشار داده است. دستگیر شده گان در ساحل شمالی ونزوئلا در تاریخ 3 و 4 ماه مه نیز اعتراف به این قرارداد کرده اند. هدف اصلی این کماندوها ربودن مادورو به ایالات متحده بوده! برنامه ریزی این عملیات و اجرای آن همزمان با مانور نظامی ارتش آمریکا که با نام "پاکسازی و مبارزه با قاچاق مواد مخدر" در دریای کارائیب صورت میگردد، شکل گرفته و این عملیات در واقع اتفاقی نیست

درباره موضوع "مجمع جهانی اقتصاد در آفریقا" حمید پویا



قبل از همه باید توضیح دهم آنچه را که در ذیل راجع به این موضوع نوشته ام در عین حال تا حد زیادی شامل صرف اطلاعاتی هست که آنها را از منابع مختلف در مورد آن بدست آورده ام:

مجمع جهانی اقتصاد یک سازمان بزرگ بورژوازی سوئیسی است مربوط به مشاوره ها و تصمیم گیریهای اقتصادی توسط مقامات باصطلاح عالی رتبه اقتصادی و سیاسی بورژوازی و اشخاص معدودی متخصص و امثال آن از کشورهای مختلف جهان. بیش از یک هزار شرکت بزرگ از کشورهای مختلف عضو این سازمان هستند. مجمع در ژانویه هر سال اجلاسی در داوس (در کشور سوئیس) برگزار میکند که در آن به تعداد مختلف بیش از 2500 نفر شامل روسای شرکتهای بزرگ، مقامات بالای دولتها، خبرنگاران، شماری دانشمند و اشخاص دیگری از بسیاری از مناطق دنیا شرکت مینمایند. مجمع همچنین سالیانه 8 تا 10 اجلاس دیگر از این نوع در نقاط دیگر جهان سازمان میدهد. همانطور که فوقاً اشاره گردید، واضح است که در چنین نشست هایی معمولاً از دیدگاههای بورژوازی امور طبقات بورژوا در زمینه های اقتصاد، سیاست، جامعه، حفاظت محیط زیست و شرایط اقلیمی و غیره) والبتنه موضوع حمایت از حیوانات بهیچوجه) مورد بررسی قرار میگیرند. این مجمع نهادی جهت بهم پیوند دادن عملی قدرت های اقتصادی بورژوازی با مراکز تصمیم گیری های سیاسی بورژوازی نیز محسوب میشود. شعار عمومی مجمع ظاهراً اینست: "تعهد جهت بهبودی برای وضعیت جهانی"، شعاری که درحقیقت اساساً بمعنای بهبودی بیشتر برای طبقات بورژوا بویژه بورژوازی بزرگ و اجباراً باصطلاح "بهبودی" برای سایر طبقات بطریقی در تطابق با منافع و خواسته های بورژوازی. بنظر میرسد که گرایش مسلط در

مجمع عموماً یک گرایش بورژوا لیبرالی (نه ناسیونالیستی بلحاظ روابط بین کشورها) و شاید تا حدودی رفورمیستی باشد.

البتنه تقریباً همیشه تعداد نسبتاً زیادی از تظاهرکنندگان و رزمندگان چپ گرا، در نزدیک ساختمانهایی که درشان اجلاس های مجمع برگزار میشود، مخالفت خود را با این نشست ها و تقریباً همه انواع سیاستهایی که در آنها اتخاذ میشود نشان میدهند.

اجلاس مجمع جهانی در آفریقا در سال 2019 در چهارم تا ششم سپتامبر این سال در شهر کیپ تاون (Cape Town) در کشور آفریقای جنوبی برگزار گردید. موضوع اصلی مورد بررسی در این نشست دیجیتالیزاسیون در آفریقا بود، که برای این قاره بسیار مهم میباشد. روشن نیست که آیا باصطلاح رهبران اقتصادی و سیاسی آفریقا، که در این اجلاس شرکت کردند، چاره جویی ای نیز برای وضعیت توده های مردم مثلاً مسئله اشتغال میلیونها جوان بیکار کرده باشند. چاره جویی ای که با وجود چاره جوئی ای بورژوازی اما، با توجه به توسعه اقتصادی البتنه به درجات متفاوت نازل کشورهای این قاره و شرایط معین سیاسی و توازن قواء طبقاتی در آنجا، جریانهای چپ و بالنسبه مترقی سیاسی و اجتماعی این کشورها باید خواستار آن باشند و برای تحقق و رادیکالیزه کردن آن تلاش نمایند.

کمونیست ها و پیشتازان سیاسی و فعالین اتحادیه ای طبقه کارگر در این کشورها، درحالیکه جهت ترویج و تبلیغ ایده های حقیقتاً کمونیستی در میان توده های این طبقه اجتماعی و سایر توده های زحمتکش و تهیدست و نیز برای بانجام رساندن سازماندهی لازم در میان کلیه این توده ها کوشش میکنند، بایستی همراه با این طبقه و این مردم در عین حال بطورمسالمت آمیز یا از طریق جنبش های انقلابی و انقلاب برای

رفورم های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی رادیکال مبارزه نمایند. آنان همچنین باید از رادیکالیزه نمودن هر سیاست رفورمیستی قابل ملاحظه حکومت و مقامات دولتی بنبفع آن توده ها حمایت کنند. بنابراین آنان لازم است از هر سیاست قابل توجه اتخاذ شده در اجلاس مجمع که بهرحال بنبفع توده های مردم آفریقا باشد پشتیبانی نمایند. تقریباً در تمام این کشورها، آنان بایستی همچنین خواستار توسعه و تکامل اقتصادی (البتنه کاپیتالیستی) کشور باشند و معمولاً از هر سیاست قابل ملاحظه حکومت برای چنین توسعه و تکامل، در راستای رسیدن به تکامل اقتصادی و اجتماعی لازم جهت انجام انقلاب سوسیالیستی و گذار به سوسیالیسم بمعنای راستین و در راستای فراهم شدن پایه مادی موردنیاز برای رفاه نسبی مردم در همین نظام کاپیتالیستی موجود حمایت کنند. واضح است که چنین پایه مادی در سطح نسبتاً بالا در صورتی بخشاً به رفاه نسبی واقعی مردم مبدل میگردد که شرایط سیاسی نسبتاً مساعد لازم از طریق مبارزات کفایت کننده طبقه کارگر و بخش های پایینی طبقه متوسط بوجود آید.

برای اینکه کمی شناخت بیشتری از وضعیت اقتصادی مربوط به کشورهای آفریقایی به دست آوریم - تا آنجا که من میدانم- میتوان داده های مذکور در ذیل را نیز مورد توجه قرار داد:

41 درصد جمعیت این قاره هنوز در فقر مطلق زندگی میکنند. سالیانه 20 تا 40 میلیون افراد جوانسال وارد بازار کار میشوند. جمعیت آماده به کار در آفریقا سریعتر از هر جای دیگر دنیا رشد میکند، زیرا رشد صنعتی که در اثر آن فرصت های شغلی پایدار بوجود میاید در چند دهه اخیر کندتر شده است.

سه چهارم ثروتهای فوق ثروتمندهای آفریقایی درخارج از قاره قرار دارد که یک نتیجه آن اینست که حکومتهای آفریقایی سالیانه 14 میلیارد دلار از مالیاتی که باید وصول کنند از دست میدهند.

بنابر اظهارات 83 رئیس شرکتهای بزرگ، از نوع فراملیتی یا متعلق به آفریقای جنوبی، و مستقر در 19 کشور آفریقایی، در پاسخ به پرسش های شرکت PWC، یک

گزارشاتی از کوبا

درباره موضوع "مجمع جهانی اقتصاد در آفریقا" ...

ادامه از ۱۱

ادامه از ۱۱

شرکت بین المللی مربوط به بررسی اقتصادی: آفریقا برای بسیاری از شرکتها همچنان مانند سابق قاره ای پرزحمت و مخاطره آمیز ولی برای آنها بسیار سودآور است.

چین نیز در زمانهای اخیر نفوذ زیادی در آفریقا پیدا کرده است، بواسطه احتیاج فزاینده اش به منابع طبیعی و ظرفیتهای بزرگ بازارهای وسیع قاره از یکسو و رقابتش با غرب و شرکتهای غیر چینی و موسسات مالی جهانی نظیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی از سوی دیگر. در این ارتباط چین چنین فعالیتهایی را در بعضی کشورهای آفریقائی دارد: اعطای وام با سود نازل، ساخت تأسیسات زیربنائی و ساختمانهای مربوط امور حمل و نقل، توسعه سیستم های آموزشی، بهداشتی و ارتباطات و غیره. این اقدامات در مقایسه با فعالیتهای شرکت های غربی در کشورهای قاره شاید برای این کشورها مساعد تر باشد.

آموزشی و... را که با کوبا بسته بود، تماماً یکجانبه نقض کرد و جنگ اقتصادی- سیاسی وسیع و بیرحمانه ای را نزدیک ۴ سال است که وی بر علیه کوبا به پیش می برد! در اینجا مورد اشاره است که در معاملات و گفتگوها با ایالات متحده امریکا، همانطور که در گزارش " عملیات اوباما " آمده است، از سیاستمداران کوبایی گرفته تا مردم کوچه و بازار، همه به این مسئله اذعان دارند که " هر وقت احترام به حق تعیین سرنوشتمان را داشته باشند و ضوابط دوگانه را بپذیرند، با آنها گفتگو خواهیم کرد. ما توهمی به سیاستها و تاکتیکهای امریکا نداریم، چرا که اینها حتی در زمان حکومت دموکراتها به ریاست جمهوری کندی، حمله نظامی به کوبا را از طریق خلیج خوکها سازماندهی دادند که با مقاومت وسیع مردم ما، به رهبری فیدل به شکست کشانده شد."

ناگفته نیست که جنگ ویتنام هم در زمان کندی پیش برده شد! تأکید این موضوع در اینجا جایز است که با تمامی حیلها، حملات و تهمت های رنگارنگ و محاصره اقتصادی روز افزون امپریالیسم امریکا برای به گرسنه کشاندن توده های مردم کوبا، دکترین امپریالیسم نتوانسته است به هدف خود در جهت از بین بردن مناسبات سوسیالیستی که در کوبا هست، حتی ذره ای موفقیت کسب کند و مقاومت توده ها را بنفع خود در هم شکند. تا امروز نیز، این امپریالیسم به خود اجازه نداده است جنگ دوباره ای را چون خلیج خوکها بر علیه انقلاب سرخ این کشور از سر گیرد و سازماندهی کند. هر چند بنابه ماهیت امپریالیست، بعید نیست که هر آن و هر زمان، امپریالیسم به بهانه های گوناگون توطئه های جدیدی را سر هم کند و دست به ماجراجویی نوی بزند! در مقابل این همه ناامنی، کوبا همیشه آگاهی و آماده گی خود را نشان داده است! همچنین همبستگی بین المللی در دنیا برای کوبا، یکی از راه های تقویت حق تعیین سرنوشت خلق کوبا و انقلاب این کشور میباشد!

"ما سوسیالیسم را انتخاب کرده ایم برای اینکه یک سیستم منصفانه و انسانی ست!"
فیدل کاسترو ۱۹۹۱

حمید پویا

28 اکتبر 2019

1- این نوشته ترجمه مقاله ای بزبان انگلیسی با همین عنوان و با تاریخ 28 اکتبر 2019 میباشد که من آن را سابقاً نوشته ام و اکنون آنرا خودم به فارسی برگردانده ام.
حمید پویا 21 مارس 2020

کار کمونیستی آخر همراه زیر نظر
هیئت سیاسی سازمان اتحاد فداییان
کمونیست منتشر می شود.
برای تماس با سازمان اتحاد فداییان
کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از
آدرسهای زیر تماس بگیرید:

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

Kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azar@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karj@fedayi.org

نشریه سیاسی و تحلیلی کار کمونیستی
علاوه بر انعکاس مواضع، نظرات و تحلیل
های سازمان، انعکاس دهنده مسائل سیاسی
اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و تاریخی
از منظر دیدگاه های مختلف نیز هست.
تحریریه نشریه از میان مطالب رسیده
انتشار مطالبی را انتخاب و در ابویت
قرار خواهد داد که مستقیماً برای این
نشریه ارسال شده باشند لذا انتظار داریم
انعکاس این مطالب در سایر نشریات و
سایت ها با ذکر منبع و نام نویسنده
صورت گیرد. از طریق ایمیل آدرس زیر
نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را
با در میان بگذارید.

kar@fedayi.org

به کانال تلگرام ما بپیوندید

@fedayi1349

آخرین اخبار و گزارشات

مقالات، اطلاعیه ها و

نشریات سازمان اتحاد

فداییان کمونیست را از

کانال فدائی در تلگرام

در یافت کنید.

<https://t.me/fedayi1349>

کار، مسکن، آزادی، جمهوری فدراتیو شورائی!